

در حاشیه سرمقاله یک روزنامه

شهامت داشته باشید وضعیت کشور در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ را مرور کنید

حسین شریعتمداری مدیر مسئول روزنامه کیهان در یادداشت روز پنجشنبه این روزنامه، با استناد به جمله‌ای از آقای «برنارد شاو»، نمایشنامه‌نویس ایرلندی کیفیت مدیریت در دولت را زیر سؤال برده و با اشاره به برخی مشکلات موجود در کشور مثل گرانی برخی اقلام و بالا رفتن قیمت دلار و... با کنایه‌ای به سخنان روز چهارشنبه اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری، نوشت: «لازم نیست باغدار باشید تا فرق سیب پلاسیده با سیب تازه را بدانید و یا بارز را باشید تا پارچه پوسیده را از پارچه سالم تشخیص بدهید!» تکمیل کننده ذهنیات مدیر مسئول روزنامه کیهان که چندی پیش مدعی عقیدرد دولت در برنامه‌ها و سیاست‌هایش شده و حکم داده بود که این سیاست‌ها از ابتدا اشتباه بوده، نامه ۱۲ رئیس کمیسیون تخصصی مجلس به رئیس جمهوری است که شاه بیت آن پیشنهاد «تغییر سیاست‌ها و روند مدیریت ۷ ساله کشور و بازگشت به مدیریت جهادی است.»
«سرفصل بهانه‌گیری‌های این طیف از مخالفان هم داستان تکراری و پرمجاری برجام و ادعای گرایش به غرب دولت روحانی است. در پاسخ به نظر می‌رسد باید گفت که جناب آقای شریعتمداری اتفاقاً هنر دولت یازدهم و دوازدهم قدرت تمیز سیب پلاسید از سیب نو یا پارچه پوسیده از سالم بوده است.

اینکه امثال شما در طول ۷ سال گذشته صلاح دانستید عینک جناحی خود را بردارید و هر سرب درخت، قبیان را پلاسیده و ثمره هر بذر از زمین روینده که تقاضایی هم در بازار نداشت را به جای میوه جازدید و همچون مثل معروف ملانصرالدین اصرار کردید که مرکز زمین خیابان فردوسی تهران کوچه شاهچراغی (محل ساختمان روزنامه کیهان) است، استدلال قابل قبولی برای ارائه و تخریب دولت نیست.

در چارچوب همین منطق است که کیهان حالا طلبکارانه می‌نویسد: «باید از آقای رئیس جمهوری پرسید حضرت تعالی از کدام خدمت دولت به مردم سخن می‌گوید؟! و به جای پوزش از ملت به خاطر بلایی که دولت شما بر سر آنها آوار کرده است، آدرس خدمات انجام نگرفته را می‌دهید و لابد از ملت انتظار کف و سوت هم دارید؟!«! اتفاقاً رئیس جمهوری نه منکر مشکلات مورد اشاره آقای شریعتمداری است و نه انتظار دارد مردم برای دولت کف و سوت بکشند. چنانکه روز چهار رشنبه در جلسه هیأت دولت گفت: «می‌دانم که در این ایام مردم با مشکلاتی روبه‌رو هستند، قیمت کالا در نوسان است، مردم را آزرده می‌کند، مردم ما را در فشار قرار می‌دهیم. یک روز لوازم خانگی، یک یک روز خودرو، یک روز قیمت ارز، هر روز می‌بینیم یک مسأله‌ای مردم ما را آزار می‌دهد. ما از این مشکلات، گرچه مشکلات سختی است ولی قدرت عبور داریم و می‌توانیم عبور کنیم.»

بنابراین انتظار کف و سوت از مردم نیست اما گویا انتظار انصاف و واقع بینی از سوری رسانه‌ای که ملت به نظام هم هست، انتظار بیهوده‌ای است که مصاف دولت باهمین گرفتاری‌های عمدتاً باریشه خارجی و اینکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب دولت‌وسط‌میدان است رامنمی بیند وبرای ۷ سال مدیریت دولت حکم «هیج» می‌زند. اگر نبود همان رویکرد ملانصرالدینی و اادکرد تمیز سیب پلاسیده از نووجودی می‌داشت حداقل باید اشاره می‌کرد که در همین دولت تورم ۴۰ درصدی میراث دولت‌مرد حمایت‌آقای شریعتمداری تکرار می‌شد.

تراز صادرات و واردات در چند سال مثبت و در مقاطعی صادرات غیر نفتی بیش از واردات شد. بنزین در همین دولت به خودکفایی رسید. رشد اقتصادی در حوزه صنعت به ۱۲ درصد رسید، متوسط شاخص اشتغال به ۴۵۰ هزار نفر رسید، تخت‌های بیمارستانی ۲ برابر شد، گاز رسانی به روستاها ۲ برابر شد، جمعیت روستایی بر خوردار از آب سالم ۱۰ برابر شد، شرکت‌های دانش بنیان افزایش چشمگیر ۱۰۰ برابری یافت و... و همه اینها در حالی رقم خورد که خبری از درآمد ۸۰۰ میلیارد دلاری ناشی از صادرات نفت هم نبوده است!

انتقاد و مطالبه مدیر مسئول کیهان از رئیس جمهوری مبنی بر پرسش از وعده‌های بر زمین مانده درست، اما شایسته است ایشان هم بر خلاف جریان‌های بدخواه ایران در خارج از کشور که فقط بر طبل ناکارآمدی نظام و نه فقط دولت می‌کوبند، همین کارهای انجام گرفته را هم ببیند و آنگاه از وعده‌های بر زمین مانده بپرسد که البته آن هم داستانی است «بر آب چشم»، که اگر نبود همه سنگ اندازی‌های داخلی همسو با اعمال فشارهای خارجی و همه آن وعده‌ها هم محقق شده بود، امروز نه آقای شریعتمداری و همفکران او همراه روحانی و دولتش بودند که اتفاقاً بهانه‌هایشان چرایی تحقق همان وعده‌ها بود! گما اینکه امروز هم دوستان آقای شریعتمداری طلبکارانه می‌گویند دولت برنامه‌ها و سیاست‌های خود را هر کند و گوش به فرمان شعارهای تخیلی آنها باشد همان‌ها که بخش عمده وقت و تمرکز دولت اعتدال را صرف رفع و رجوع کردن گرفتاری‌های خود کرد.

غیر از این است که گفت و گوها بر سر توافق هسته‌ای و در نهایت برجام تدبیری از سوی نظام و دولت بود برای برداشتن سایه شوم تحریم‌های به ارث مانده از جریان فکری و سیاسی که قطعنامه‌های شورای امنیت را کاغذ پاره می‌خواند و حالا مدعی تمیز پارچه سالم از فاسد شده‌اند! آقای شریعتمداری اگر قدرت تمیز دارید، شهامت هم داشته باشید و البته وضعیت کشور در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ را مرور کنید آنگاه اگر شما و دوستانتان تدبیری برای رفع تحریم‌ها دارید روی میز بگذارید. و اگر نه این خط و نشان کشیدن‌ها و استناد اردهای دوگانه رافع آن دغدغه‌های ادعایی شما نیست. نمی‌شود هم طلبکار دولت و مدعی معیشت مردم بود و هم آرزوی پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات امریکا و بقی تحریم‌ها را داشت!

رویکردهای نخ نم‌ها شده شما شاید همچون انتخابات پر ماجرای مجلس یازدهم - که برای اولین بار درصد آنها که پای صندوق‌ها نیامدند از مشارکت کنندگان بی‌نشتی شد، برای شما و جریان فکری تان نانی داشته باشد اما برای مردم حتماً نانی نخواهد داشت.

تعامل به‌جای سیاسی کاری



علی قنبری
استاد دانشگاه

هر چند که شرایط تحریم‌ها و وضعیت روحانی از دلایل مهم بروز شرایط کنونی است. اما تصمیمات و نقش مسئولان در حوزه‌های مختلف هم در بروز این اتفاقات بی‌تأثیر نبوده است. در واقع این شرایط محصول تصمیماتی است که در کل ساختار کشور گرفته شده و تنها مختص دولت فعلی نیست.

نمی‌توان از عناصر دیگر در بروز شرایط به‌وجود آمده غافل شد و تنها دولت را مقصر دانست. چالش‌های اقتصادی موجود محصول سیاست‌های اقتصادی، روابط بین‌الملل، شرایط منطقه‌ای و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی حال حاضر کشور است. یعنی همه عواملی که نام برده شد در وضعیت فعلی تأثیر دارند.

علاوه بر اینها نباید فراموش کنیم بخشی از آنچه امروز به‌عنوان چالش اقتصادی در ساختار کشور وجود دارد حاصل تصمیمات و مصوبات اصولگرایان در مجلس پیشین است.

رؤسای ۱۲ کمیسیون مجلس در نامه‌ای به رئیس‌جمهور خواستار تغییر در مدیریت ۷ساله شدند

خط‌ونشان برای روحانی در میانه کروناوتحریم

دولت در وسط میدان است

شهریور سال ۹۷ رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای دولت «اتحاد و انسجام مسئولان کشور» را بیش از هر زمان دیگر لازم خواندند و فرمودند: «رؤسای قوا و مسئولان بخش‌های مختلف باید پشتیبان و کمک‌کار یکدیگر باشند و بویژه همه باید به دولت کمک کنند زیرا دولت در وسط میدان است.» ایشان اختلاف نظر میان مسئولان را طبیعی دانستند و در عین حال افزودند: «این اختلاف نظرها نباید رسانه‌ای شود زیرا مردم را نگران و مضطرب می‌کند.»

در انتها یادآوری بخش کوهانی از بیانات رهبر معظم انقلاب که ۲۱ اردیبهشت به صورت ویدئوکنفرانسی در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا بیان شد برای آنها که در میانه معرکه مصاف با تحریم و کرونا چوب حراج بر مدیریت دولت می‌زنند خالی از لطف نیست؛ «سلام عرض می‌کنم به همه حضار محترم، آقای رئیس‌جمهوری محترم و آقایانی که در این جلسه حضور دارند و کسانی که می‌شنوند این صحبت را. گزارش‌هایی که داده شد، بخصوص گزارش جامع جناب آقای رئیس‌جمهور لازم بود، خوب بود، روشنگر بود و ما همه احتیاج داریم به دانستن و شنیدن این گزارش‌ها و این خصوصیات. غرض بنده از این جلسه و تشکیل این برنامه در درجه اول عبارت بود از خداقوتی به دست‌اندرکاران محترم، به شما برادران عزیز و همین‌طور که اشاره کردید، مدت‌ها است تقریباً شبانه‌روزی برادران مشغول زحمت و کار هستند، و هم ابراز شکر‌گزاری نزد خداوند متعال به خاطر توفیق بزرگی که به ملت ایران و مسئولین کشور عنایت کرد... کار بزرگی انجام گرفت، جهاد عظیمی در کشور به وجود آمد و به معنای واقعی کلمه یک تلاش جهادی بود، یک حرکت جهادی بود. و این باید در تاریخ ثبت بشود؛ باید بازخوانی بشود...»

مکتوب تندرهای مخالف دولت همین چند روز پیش در دو شماره پایانی - که احیاناً مصداق رسانه‌های زنجیره‌ای هم نیست!- زمین و آسمان را به هم دوختند تا ثابت کنند

دولت روحانی ناتوان از عمل به وعده‌های خود به عقب برگشته است! روز پنجشنبه هم وطن امروز در یادداشتی که دستگاه دیپلماسی را آماج حمله قرار داده بود همین پیشنهاد ۱۲ رئیس کمیسیون مجلس را مطرح کرده و نوشته است: «دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی باید متحول شود و پوست بیندازد. تجربه ۷ سال گذشته ضرورت این تحول را بیش از هر زمان دیگری اثبات کرده است.»

پیشنهاد تغییر مدیریت ۷ ساله دولت آن هم در آخرین سال عمر آن به معنای آن است که رئیس‌جمهوری همه برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی خود را کنار بگذارد و بشود مجری برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی از سوی مخالفان خود. این مهم همزمان که برخلاف اصل تفکیک قوا و اختیارات قوه مجریه است، به نوعی ذهن کجی به رای مردم هم هست. البته که پیش از این هم نمایندگان این همین جریان فکری آشکارا مردم را بابت انتخاب خود مورد شتمات قرار داده بودند.

اما سؤال اینجاست که ۷ سال پیش کشور در چه شرایطی بوده که حالا ژنرال‌ها و نخبگان بهارستان حکم به بازگشت به آن دوران را می‌دهند. یک ناظر بدست‌انداز اطلاع‌آگراین پیشنهاد را بخواند، احتمالاً فکر می‌کند سال ۹۲، مدعیان امروز مدیریت جهادی یک کشور به اصطلاح گل و بلبل را تحویل روحانی داده‌اند و حالا طلبکار شده‌اند که چرا آن

مغالطه مخالفان در تصمیم‌گیری و مسئولیت پذیری



اکبر ترکان
فعال سیاسی

به افکارعمومی است. از جمله نامه ۱۲ رئیس

کمیسیون‌های تخصصی مجلس که دیروز منتشر شد. شاهد آن هم اینکه بخش زیادی از نویسندگان همین نامه در قامت مقامات دولت‌های نهم و دهم که تحریم‌هایی به مراتب سبک‌تر از امروز علیه کشورما وجود داشت نتوانستند کارنامه‌ای بهتر از تورم بالای ۴ درصد و رشد اقتصادی منفی ۷ درصد برای کشور به ارمغان بیاورند و نتیجه آن نیز شد آنچه که به یاد داریم. مضافاً اینکه از آن دوره آنچنان دور نشده‌ایم که از یاد ببریم نتیجه شعار همین عزیزان در تقویت اقتصاد داخلی در شرایط تحریم چه بود؟ چقدر شغل، صنعت تازه و توسعه اقتصادی در آن دوره شکل گرفت؟ آیا در همان دوره جز تولید بنزین پتروشیمی که نتیجه‌اش جهش آلودگی کلانشهرهای ما شد، عایدی بزرگ دیگری در حوزه تولید داشتیم؟

بحث افزایش فشار تحریمی بر ایران نیز نه انتخاب مردم و اکثریت ملت ایران بوده و نه انتخاب دولت‌های یازدهم و دوازدهم. کم‌اینکه این دولت‌ها با شعار گذر از شرایط تحریمی با هدف بهبود اوضاع داخلی و حمایت مردم از این مسأله بر سر کار آمدند و اتفاقاً کسان دیگری بودند که آرزوی قدرت گرفت و ترامپ و پاره شدن برجام را در سر می‌پروراندند. درباره آثار برجام و توافق هسته‌ای نیز وضعیت اقتصادی دوره دو ساله ۹۴ تا ۹۶ کاملاً هویداست؛ جایی که اقتصاد کشور تنها در همین دو سال بود که بعد از یک دهه فشار سخت امکان نفس کشیدن و تحرکی تازه پیدا کرد. اتفاقاً فاکتور گرفتن و نادیده انگاشتن عامل تحریم‌های امریکا همان چیزی است که نظام سیاسی این کشور برای ما می‌خواهد.

در واقع اگر تحریم‌کنندگان ما در اقدامات تبلیغاتی خود سخت به دنبال مقصر جلوه دادن دولت جهاتی تئریه تأثیر تحریم‌ها بر زندگی مردم هستند، برخی تحرکات داخلی نظیر همین نامه نگاشته شده با قدرت تمام در جهت تأمین همین هدف عمل می‌کنند. نکته جالب و البته تأسف آور آن است که وقتی در کشور بحث سیاستگذاری و تصمیم‌گیری خصوصاً درخصوص مسائل خارجی است، همین که موضوع تصمیم‌گیری مطرح می‌شود همین جریان‌های منتقد امروز تأکید می‌کنند که دولت در تصمیم‌گیری تنها نیست و باید جایی حرف مراجع دیگر را تمکین کند. اما وقتی بحث پاسخگویی و

نفوذ غیردولتی چه می‌شود؟

خلاصه کلام این است که انتقاداتی بدین شکل از وضعیت کشور وقتی بدون در نظر گرفتن دو نکته مطرح شوند، مغالطه‌ای بیش نیستند. اول اینکه نقش تحریم‌ها و البته نظر عمومی ملت درباره این موضوع چیست؟

دوم هم اینکه چهقدر از اقتصاد و فرآیند تصمیم‌گیری کشور در اختیار دولت قرار دارد؟

می‌شود، همان موج‌سواری روی گرفتاری‌های مردم و بی‌توجهی به سیاست‌های هیجانی و غیرکارشناسی مدعیان امروز است که سنگ بنای تحریم‌ها و اجماع جهانی علیه ایران را گذاشته‌اند.
مروری بر وضعیت کشور در سال‌های ۹۴ تا ۹۶ که تحریم‌ها کاسته شد و نگاه جهان به مدد برجام نسبت به ایران تغییر کرد و مقایسه آن با وضعیت امروز بخوبی نشان می‌دهد که مخالفان دولت آدرس غلط می‌دهند.

همان‌ها که به هرگونه گشایش باجهان پیرامون به چشم توطئه نگاه می‌کنند، سند برجام را در مجلس آتش می‌زنند و لوائح دولت در ارتباط با «اف ای تی اف» برای تسهیل در مرادوات مالی را به بن‌بست می‌کشاند، همزمان مدعی معیشت و اقتصاد مردم هم‌شدند!

به هر روی کسی امروز منکر وجود مشکلات نیست چنان که رئیس‌جمهوری هم روز چهارشنبه در جلسه هیأت دولت به آنها اشاره و البته تأکید هم کرد که عبور از این روزهای سخت نیازمند همکاری همه قواست. همه می‌دانیم که اعمال فشارهای خارجی و اتخاذ رویکرد مقاومت در برابر زیاده‌خواهی‌های امریکا هزینه دارد. چند ماهی است که شیوع ویروس کرونا هم این هزینه‌ها را دوچندان کرده است. آنچنان که رئیس‌جمهوری در جلسه هیأت دولت تأکید کرد: «این مشکلاتی که امروز داریم به صورت پیچیده مشاهده می‌کنیم، عمدتاً با مربوط می‌شود به ویروس کرونا در این چند ماه که از ماه اسفند و این سه چهار ماه گرفتار آن بودیم و ممکن است ماه‌ها هم باز گرفتار آن باشیم و همچنین مربوط می‌شود به تحریم ظالمانه امریکا که از اواخر ۹۶ و به‌طور رسمی از ابتدای سال ۹۷ برقرار شد و ما سه سال است در برابر این تحریم شدید مقاومت می‌کنیم.»

بنابراین نمی‌شود از یک سو سینه ستبر کرد و مدافع استراتژی مقاومت بود و همزمان از زیر مسئولیت‌ها و تبعات آن شانه خالی کرد و همه مشکلات را به گردن دولت انداخت. هم سوگند رئیس‌جمهوری برای پاسداشت قانون اساسی را یادآور شد و هم مدافع تفسیر محدودکننده اختیارات رئیس‌جمهوری ذیل اصل ۱۱۳ قانون اساسی شد. هم مدیریت دولت در مواجهه با کرونا را ستود و هم مدیران دولت را کارنابلد خواند. امروز اکثر کارشناسان و مسئولان از تجربه تشکیل ستاد مقابله با کرونا به نیکی یاد می‌کنند که محل گفت‌وگوهای رودر رو و طرح و بررسی پیشنهاد‌های مختلف و رسیدن به تصمیم واحد است. بی‌شک اینها در نتایج این تجربه خوب، باید و شرایط موجود را فراتر از چارچوب‌های جناحی و انتخاباتی درک کرد. هیچ کس پشت فرمانده را وسط میدان جنگ خالی نمی‌کند.

عجله نکنند



علی شکوری راد
دبیر کل حزب اتحاد ملت

۱۲ رئیس کمیسیون‌های

تخصصی مجلس یازدهم در اقدامی بدیع به رئیس‌جمهوری نامه نوشته و برای اوخط و نشان کشیده‌اند که اگر رئیس‌جمهور روند هفت‌ساله مدیریت خود را در جهتی که آنان ترسیم می‌کنند تغییر ندهد مجلس تازه نفس یازدهم ساکت نخواهد نشست و بر سر آرمان‌های انقلابی خود خواهد ایستاد.

در این نامه ناکارآمدی‌های تحقق آنچه در قانون اساسی به‌عنوان حق مردم آمده فهرست شده است اما هوشیاری به خرج داده و آن را به هفت سال دوره رئیس‌جمهوری حاضر نسبت داده‌اند.

مردم حقیقتاً شرایط اقتصادی و معیشتی سختی را تحمل می‌کنند و هر اقدامی برای رفع این تنگنا و سختی درخور استقبال است اما چه کسانی می‌توانند چنین ادعایی داشته باشند؟ کسانی که واقعاً این موضوع درد اصلی آنها باشد و نه بهانه آنها.

با این حال اگر بپذیرفته شود که دفاع از حقوق مردم و معیشت آنها دغدغه این نمایندگان است آنها چگونه باید به این امر بپردازند تا در پایان دوره دچار روستاهای شوند.

اول آنکه قانون اساسی را کامل بخوانند و همه حقوق ملت را مطالبه کنند و بر اجرای بدون تنازل همه اصول قانون اساسی تأکید کنند و بدانند که این کار ممکن نیست مگر با به‌کار بستن اصول حکمرانی برای یعنی مشارکت جویی، قانونگرایی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخگویی و در نهایت کارآمدی و اثربخشی در تمام ارکان حاکمیت و از جمله، دولت.

این را هم باید بدانند که در انتخابات اخیر مردم دو گونه سخن گفتند.

۴۲ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند که از این میان با توجه به حد نصاب انتخاب با گشاده دستی می‌توان پذیرفت حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد صاحبان حق رای را برگزیدن نمایندگان فعلی همین حرفی را زده‌اند که آنها می‌گویند اما بقیه مردم اگر چه ناراضی، لزوماً با رویکرد تقابل فرساینده مجلس با دولت موافق نیستند.

این نمایندگان به‌هر حال اکنون در جایگاه نمایندگی همه مردم ننشسته‌اند و باید حافظ منافع ملی باشند. خروجی کار مشترک آنها و دولت باید به نفع مردم و کشور باشد. اگر با دولت نزاحم فلج‌کننده داشته باشند دود آن به چشم مردم می‌رود.

■ ادامه در صفحه ۳